

فصلنامه علمی تخصصی معارف علوم انسانی و علوم اسلامی  
سال هشتم- تابستان 1405-شماره 26- ص 32-48  
**برهان نظم از نگاه قرآن و روایات**

شعله احمدی<sup>1</sup>

**چکیده**

نظم موجود در جهان، یکی از براهینی است که برای اثبات وجود خداوند به کار گرفته شده است که این برهان، پیوسته مردم پسنندترین براهین بوده و به یک سان، رضایت و خرسندی، ذهن های ساده و پیچیده را جلب کرده است. مراد از نظم، هماهنگی میان اجزا و اعضای آن برای رسیدن به غایتی یگانه است. پیرامون این موضوع تاکنون، مطالعات و پژوهش های پراکنده ای از سوی پژوهشگران صورت گرفته است. فلذا سعی بر آن است که در این پژوهش حاضر، مطالب به صورت منسجم و گسترده تر عرضه گردد. از طرفی بر روی این موضوع به جهت این که می تواند افزایش توجه نسبت به هستی و هدفمند بودن و زدودن غفلت و پوچی را در انسان فراهم آورد. ضروری به نظر می رسد در پژوهش حاضر، نظم و برهان از واژگان کلیدی هستند که نسبت به سایر واژه ها بیشتر بررسی شده اند  
**واژگان کلیدی:** برهان، نظم، آیات، روایات

---

1. طلبه سطح سه (کارشناسی ارشد)، رشته مشاوره خانواده با رویکرد اسلامی، حوزه علمیه حضرت ولیعصر (عج) خواهران، بناب، آذربایجان شرقی.

### مقدمه

برای اثبات خدا براهین متعددی از سوی دانشمندان و فیلسوفان اقامه شده است که یکی از آن براهین، برهان نظم در جهان آفرینش است فلذا تحلیل گران برهان نظم از هماهنگی شرایط حاکم بر کره زمین با پیدایش پدیده‌ی حیات، بر وجود تدبیر استدلال کرده و هماهنگی را نشانه‌ی هدفداری گرفته‌اند که هرگز از اعتقاد به وجود فاعل مدبر دانا و توانا جدا نمی‌باشد. در این مقاله در پی آن هستیم که برهان نظم را تبیین نموده و مستندات قرآنی و روایی آن را بیان کنیم

با توجه به کتب علمی که در این زمینه به نگارش درآمده است، یک خلاء در میان عامه مردم به خصوص قشر جوان دیده می‌شود که برخی از این قشر برهان نظم را به عنوان یکی از راه‌های اثبات خدا قبول ندارند و بر آن نقدهایی وارد کرده‌اند. فلذا ضروری به نظر می‌رسد که به صورت کلی و با نگاهی دیگر به این موضوع بپردازیم.

هدف از مقاله حاضر، رسیدن به این نکته است که نظم موجود در جهان ناظمی دارد و به صورت تصادفی پدید نیامده است. همچنین یکی از اهداف، افزایش توجه نسبت به هستی و غفلت زدائی می‌باشد و نیز سعی خواهیم کرد بیان روان و حتی المقدور خالی از اصطلاحات فنی ارائه نماییم تا استفاده برای عموم، به خصوص قشر جوان آسان گردد و همچنین با بیان اشکالات و پاسخ نسبت به آن‌ها، به رفع قسمتی از شبهه‌ها، پرداخته باشیم.

برهان نظم، یکی از براهینی است که برای اثبات وجود خداوند به کار گرفته شده است در پی آن هستیم که مستندات قرآنی و روایی برهان نظم را بیان کنیم

### 1- برهان نظم از نگاه قرآن کریم

#### 1-1- نظم در آسمان و زمین

«قَالَ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنَّ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ»<sup>1</sup> آسمان با آن عظمت و زمین با آن وسعت و گستردگی، و موجودات رنگارنگش که تو و دستگاه تو در برابر آن ذره‌ناچیزی بیش نیست، آفرینش پروردگار من است، چنین پروردگار، مدبر و نظم‌دهنده‌ای شایسته پرستش است نه موجود ضعیف و ناچیزی همچون تو «گفتار حضرت موسی به فرعون».

توجه به این حقیقت نیز لازم است که بت پرستان معتقد بودند، هر یک از موجودات این عالم، ربی دارد و جهان را ترکیبی از نظامات پراکنده می‌باشد، اما سخن موسی (علیه السلام) اشاره به این حقیقت است که این نظام واحد که بر مجموعه‌ی عالم هستی حکم فرماست دلیل بر این است که ربّ واحدی دارد و جمله‌ی «ان کنتم موقنین» ممکن است اشاره به این مطلب

<sup>1</sup> - سوره شعراء (26)، آیه 24.

با شد که موسی می خواهد به فرعون و یارانش بفهماند اگر در جستجوی حقیقت و صراحت عقل و شعور باشید، همین استدلال که کردم کافی است، کمی چشمتان را بگشائید و ساعتی در این آسمان های وسیع و زمین گسترده و آثارش بیندیشید تا دانستنی ها را بدانید و جهان بینی خود را تصحیح کنید.<sup>1</sup>

«تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا»<sup>2</sup> در آیه ی دیگر از تف سیر نمونه، به نظم موجود در آسمان که همان منزلگاه های موجود در آسمان و قرار دادن خورشید و ماه در آن است اشاره دارد و توضیح بیشتر اینکه:

سراج به معنی چراغ و خورشید که نورش از خودش گرفته می شود، برخلاف ماه که نورش از پرتو خورشید است و توجه به این نکته ضروری است که منظور از برج های آسمانی اشاره به صورت های مخصوص فلکی است و آیه، اشاره به منزلگاه های آسمانی خورشید و ماه کرده و به دنبال آن اضافه می کند و در این برج ها چراغ روشن و ماه نور بخشی قرار دادیم و در حقیقت بیانگر نظم دقیق سیر خورشید و ماه در آسمان و نظام فوق العاده دقیق است که میلیون ها سال بی کم و کاست، بر آنها حکم فرما است. این نظامی که حاکم بر این کرات عظیم آسمانی است شاهد گویائی بر وجود پروردگاری است که مدبر عالم بزرگی هستی و در آخر آیه به صورت توبیخ می فرماید: «وَبِازٍ مِنْ هَمِّهِمْ شَلْنَهُمْ»<sup>3</sup> و ما را نمی شناسید و

## 2-1- اثبات نظم موجود در هستی با نفی آلهه متعدد

«مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ إِذًا لَذَهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ»<sup>4</sup> در این آیه نخست می فرماید «خداوند هرگز فرزندی برای خود برنگزیده و معبود دیگری با او نیست و پس از آن به بیان دلیل بر نفی شرک پرداخته، چنین می گوید: «اگر خداوند شریکی می داشت و آلهه متعدد در جهان هستی حکومت می کرد، هر یک از این خدایان، مخلوقات خاص خود را در پنجه ی تدبیر و اراده ی خویش قرار می داد و طبعاً هر بخشی از عالم، با نظام خاصی اداره می شد، و این با وحدت نظامی که بر آن حاکم است می بینیم سازگار نیست. «إِذَا لَذَهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ» به علاوه، هر یک از خدایان برای گسترش قلمرو حکومت خود، سعی داشتند غلبه جویند. و این خود سبب دیگری برای از هم گسیختگی نظام جهان می شد. «وَلَعَلَّا بَعْضُهُمْ

1- ناصر، مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، صص 233-234.

2- سوره فرقان (25)، آیه 61.

3- ناصر، مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، جلد 15، همان، صص 162-163.

4- سوره مومنون (23)، آیه 91.

عَلَى بَعْضٍ» و به عنوان یک نتیجه گیری کلی می فرماید: «سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ» نظام واحدی بر پهنه ی هستی حکومت می کند، قوانین حاکم بر این جهان در زمین و آسمان همه یک سان است، نوامیسی که بر یک ذره فوق العاده کوچک اتم حکم فرما است بر منظومه ی شمسی و منظومه های عظیم دیگر نیز حاکم است.<sup>1</sup>

### 3-1- اشاره به نظم از طریق مسأله حیات

«وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ»<sup>2</sup> در این آیه به یکی از مهمترین چهره های نظام آفرینش که از رو شنترین دلائل توحید است (م ساله حیات) در صورتهای متنوعش اشاره کرده می گوید: "خداوند هر جنبنده ای را از آبی آفرید" و با اینکه اصل همه آنها به آب باز می گردد، با این حال خلقت های بسیار متفاوت و شگفت انگیزی دارند: "گروهی از آنها بر شکم خود راه می روند"؛ (فَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ) "و گروهی بر روی دو پا راه می روند"؛ (وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْنِ) "و گروهی بر روی چهار پا راه می روند" (وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ). تازه منحصر به این امور نیست و حیات، چهره های فوق العاده متنوع دارد، اعم از موجوداتی که در دریا زندگی می کنند و یا حشرات که هزاران نوع دارند و هزاران صورت. لذا در پلیمان آیه می فرماید: "خداوند هر چه را اراده کند می آفریند" (يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ) "چرا که خدا بر همه چیز توانا است" (إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ).<sup>3</sup>

### 4-1- خلقت آسمان ها و زمین و اختلاف شب و روز نشانه ای دیگر

«إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لَأُولِي الْأَلْبَابِ»<sup>4</sup> منظور از خلقت آسمان ها و زمین کیفیت وجودی و آثار و افعال و حرکت و سکون و تغییر و تحول آن ها است.<sup>5</sup>

آفرینش آسمان ها و زمین، یعنی جوهر و اوصاف آن ها و همچنین آمد و شد شب و روز در پی یکدیگر، همچون اصل آفرینش آن دو (شب و روز) نشانه ی الهی اند. روز آیتی روشن و آشکار و شب نیز نشانی تاریک و پنهان برای خداست و هر یک با نظمی شگفت انگیز جای خود را به

<sup>1</sup> - ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج 14، چاپ بیست و نهم، تهران: انتشارات دار الکتب الاسلامیه، 1357، ص 324.

<sup>2</sup> - سوره نور (24)، آیه 45.

<sup>3</sup> - ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج 14، همان، صص 542-543.

<sup>4</sup> - سوره آل عمران (3)، آیه 190.

<sup>5</sup> - محمدحسین طباطبائی، تفسیر المیزان، محمدباقر موسوی همدانی، ج 4، چاپ بیست و هشتم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، 1388، ص 146.

دیگری می سپارد. روز اصل است و شب، سایه و در پی آن، هر چند تاخر زمانی از روز ندارد و نمی توان گفت کدام یک پس از دیگری آفریده شده است. از نظر تکوین و ارزیابی شب و روز به لحاظ نسبت زمین و آفتاب، روز بر شب مقدم است و از نظر تشریح و دیدگاه فقهی به لحاظ زمین به خصوص ماه، شب بر روز مقدم است. اختلاف شب و روز نیز بدین معناست که با نظمی شگفت انگیز شب جای خود را به روز و روز جای خود را به شب می سپارد. نظم حاکم بر حرکت های زمین و ماه به گونه ای است که منجمان می توانند خسوف و کسوف را سال ها پیش از وقوعش با دقت پیش بینی کنند. آفرینش نظام کنونی برای همگان آیه است؛ لیکن بهره برداران از آن اولوالالباب اند. صاحبان خرد و ژرفنگران که هم عاقلند و هم به مغز اشیا راه یافته و لب و باطن جهان را می شناسند، سراسر عالم را آیات الهی می بینند و خالق هستی را در آیینی آیات الهی می نگرند؛ زیرا همه ی مخلوقات نشانه اند و حیثیتی جز نشانه بودن ندارند و آیت بودن آن ها برای خداوند تکوینی است نه اعتباری؛ و دائمی و ذاتی است نه مقطعی و موسمی البته این نشان دادن نیز به عنایت و اراده الهی است. عاقلان درون نگر که مغز و ژرفای موجودات را می بینند، با تدبّر در آفرینش حکیمانه، هدفمند، مستحکم و منظم آسمان ها و زمین و اختلاف شب و روز و اسمای حسنی الهی و اصول سه گانه ی دین (توحید، نبوت و معاد) را در می یابند.<sup>1</sup>

### 5-1- تصویر بر پایه ی مشیت الهی و با حفظ اختیار

«هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ»<sup>2</sup>

اعطا نمودن صورت و شکل مخصوصی را به یک چیز، «تصویر» گویند و «صورت» شامل تمثال (چیزهایی که سایه دار هستند مانند مجسمه و امثال آن) و غیر تمثال می شود «ارحام» جمع «رحم» و آن محلی است که خداوند برای تربیت جنین در طایفه ی اناث آفریده است. تمام موجودات عالم هستی، حتی «کفر و ایمان» مردم در تحت تقدیر او است و تقدیر همان نظمی است که خداوند برای اشیا و موجودات جهان قرار داده است تا هر چیزی به میزان آن به آسانی راه مقصد اصلی خویش را که سازمان عملی وجودش اجازه می دهد تعقیب کند، خداوند با قدرت کامله ی خود به هر چیز همان صورتی را عطا کرده و بخشیده است که در راه مخصوص آن سلوک می نماید. پس در هر حال خداوند پیروز می باشد و با اراده و مشیت خود بر مخلوقات غالب است، ولی انسان بیچاره گمان می کند که اراده و مشیت او اصالت دارد و به میل خویشتن در عالم تصرف می کند غافل از اینکه تنها خداوند است که اجزاء وجودی آنها را

<sup>1</sup> - عبدالله، جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج 13، چاپ اول، قم: اسراء، 1387، صص 93-91.

<sup>2</sup> - سوره آل عمران (3)، آیه 6.

در ابتدای کار و تکوین طوری تنظیم کرده که منتفی به مشیت او در سرانجام کارهایشان می شود. لکن مشیت و اراده حتم نیست که قابل تغییر نباشد. خداوند سبحان در مشیمه و رحم مادر، اجزای وجود انسان را در ابتدایه نحوی تنظیم می کند که آن گونه که خود می خواهد به پایان می پذیرد نه آن گونه که پدر یا مادر می خواهند. کار آن ها امانت است و اصل آفرینش به خدا ارتباط دارد.<sup>1</sup>

### 6-1- مراحل تطوّر خلقت انسان آیتی دیگر بر ناظمی چون ذات باری او

« هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يَخْرِجُكُمْ طِفْلاً ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لَتَكُونُوا شِيُوخًا وَمِنْكُمْ مَنْ يَتَوَقَّى مِنَ قَبْلِ وَ لَتَبْلُغُوا أَجْلاً سَمِيًّا وَلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ \* هُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ فَإِذَا قُضِيَ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ »<sup>2</sup>

در این آیات، به بخشی از " آیات انفاسی " پرداخته، مراحل تطوّر خلقت انسان را از خاک، دوران جنینی، و دوران حیات در دنیا تا هنگام مرگ، در هفت مرحله بیان می کند، تا هم عظمت قدرت و ربوبیت او روشن شود و هم مواهب و نعمتهایش بر بندگان.

نخستین مرحله، مرحله تراب و خاک است که اشاره به آفرینش آدم جد نخستین ما از خاک می باشد، و یا خلقت همه انسانها از خاک مایه می گیرد. مرحله دوم، مرحله نطفه است که مربوط به همه انسانها جز آدم و همسرش حوا است و مرحله سوم مرحله ای است که نطفه تکامل یافته، و نمو قابل ملاحظه ای نموده، و به صورت یک قطعه خون بسته در آمده است.

مرحله چهارم را مرحله ای تولّد چنین و مرحله پنجم را مرحله تکامل قدرت و قوت جسمی است که قرآن از آن تعبیر به «بلوغ اشد» کرده است. مرحله ششم مرحله ای عقب گرد است و به مرحله ای پیری اشاره دارد. و آخرین مرحله، پایان عمر انسان است و انتقال از این سرا به سرای جاویدان تحقق می یابد. آیا با اینهمه تغییرات و تطورات منظم، و حساب شده، باز هم

جای تردید در قدرت و عظمت مبدء عالم هستی و الطاف و مواهب او وجود دارد؟

در این آیه اشاره به "یتوفی" شده است که منظور این است که «مرگ» در منطق قرآن به معنی فنا و نابودی نیست، بلکه فرشتگان مرگ روح انسان را دریافت می دارند و به عالم پس از مرگ منتقل می سازند، (با "ثُمَّ" که تا آخر آیه عطف شده، نشانه ای ترتیب توأم با فاصله است، و فقط در مرحله ای اخیر با "واو" عطف شده، به این امر شاید اشاره داشته باشد که رسیدن به پایان عمر، همیشه بعد از پیری نخواهد بود).

<sup>1</sup> - محمدحسین، طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج 5، همان، صص 22-23.

<sup>2</sup> - سوره غافر (40)، آیات 67-68.

در آخرین آیه مورد بحث سخن از مهمترین مظاهر قدرت پروردگار یعنی م ساله حیات و مرگ به میان می‌آورد، همان دو پدیده‌ای که با تمام پیشرفت علوم بشر هنوز جزء معماهای ناگشوده است، (هُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ) مخصوصاً انتقال از جهان بی جان، به جهان موجودات زنده و انتقال از جهان حیات به مرگ، دارای شگفتی هائی است که اسرار آفرینش را بازگو می‌کند و هر کدام آیتی است از آیات قدرت خدا، اما قابل توجه این که، هیچ یک از مسائل مهم و پیچیده در برابر قدرت او صعوبت و اشکالی ندارد، و به محض اراده و فرمانش صورت می‌گیرد.<sup>۱</sup> «إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»<sup>۲</sup>.

### 7-1- زمین و نفس هایتان و آسمان نشانه‌ای عظیم بر قدرت خداوند است آیا نمی‌دانید؟!

در این آیات ابتدا به مساله توحید و صفات خداوند پرداخته که مبدأ حرکت به سوی همه خیرات است و سپس اشاره‌ای بر قدرت خداوند بر معاد و اینکه خالق حیات بر روی زمین و اینهمه عجائب و شگفتیها قادر بر تجدید حیات نیز می‌باشد و آیاتی که در این قسمت بررسی می‌کنیم آیات 20 تا 23 سوره ذاریات است و آیه نخست (وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ)<sup>۳</sup>. به راستی نشانه‌های حق و قدرت بی پایان و علم و حکمت نامحدود خدا در همین کره‌ی خاکی آن قدر فراوان است که عمر هیچ انسانی کافی برای شناخت همه آنها نیست. از جمله حجم زمین، فاصله آن با خورشید، موادی که زمین را تشکیل می‌دهند، کوه‌ها و دشت‌ها، حرکت زمین به دور خود، و حرکت آن به دور آفتاب، و نیروی جاذبه و دافعه‌ای که از آن حجم، و این حرکت به وجود می‌آید، و کاملاً متعادل و معادل یکدیگر است و هماهنگی تمام اینها با هم تا شرایط حیات را بر صفحه زمین فراهم سازد، همه از آیات بزرگ خدا است و هر کس که درک معانی می‌کند باید در مقابل عظمت نعمتی‌های پروردگار سر تسلیم فرود آورد و آیه‌ی دیگری که بررسی می‌کنیم آیه‌ی «(وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ)<sup>۴</sup> می‌باشد و خداوند در این آیه می‌فرماید: «در وجود خود شما نیز نشانه‌های خدا فراوان است». بدون شک انسان اعجوبه عالم هستی است و آنچه در عالم کبیر است در این عالم صغیر نیز موجود است، عجب اینکه این انسان با آن هوش و عقل و علم و اینهمه خلاقیت و ابتکارات و صنایع شگرف، روز نخست به صورت نطفه کوچک و بی ارزشی بوده، اما همین که در عالم رحم قرار می‌گیرد با سرعت عجیبی

1 - ناصر، مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج 20، همان، صص 185-181.

2 - سوره یس (36) آیه 82.

3 - سوره ذاریات (53)، آیات 20-23.

4 - همان.

رو به تکامل می‌رود، و آن نطفه ناچیز در مدت کوتاهی به انسان کاملی تبدیل می‌گردد و دستگاه‌هایی که در بدن انسان است مانند قلب و کلیه و ریه و مخصوصاً دهها هزار کیلومتر رگهای درشت! و ... و از همه مهمتر معمای "حیات" که اسرار آن هم چنان ناشناخته مانده، و ساختمان روح و عقل انسان است که عقول همه و همه از نشانه‌های خدا در وجود انسان است و سومین آیه‌ی مورد بحث (وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ)، در این آیه اگر سماء را به معنی ظاهری آن در نظر بگیریم، رزق در رزقکم در روایات به دانه‌های حیات بخش باران تعبیر شده است ولی این معنی می‌تواند یکی از مصداق‌های روشن آیه باشد. در حالی که گستردگی مفهوم رزق هم باران را شامل می‌شود و هم نور آفتاب را که از آسمان به سوی ما می‌آید و همچنین هوا را که مایه‌ی حیات همه‌ی موجودات زنده است ولی بعضی از مفسران سماء را به عالم غیب و ماوراء طبیعت و لوح محفوظ گرفته‌اند که تقدیر ارزاق انسان‌ها از آن جایی می‌شود و جمله‌ی "مَا تُوعَدُونَ" از آن جایی که مفهومش وسیع و گسترده است، تأکیدی بر مسئله رزق و وعده الهی در این زمینه و یا به معنی بهشت موعود و یا اشاره به هر گونه خیر و برکت و یا غذایی که از آسمان نازل می‌شود و یا ناظر به همه‌ی این مفاهیم است (و روی شما با همه‌ی وعده‌ها که به شما داده‌اند در آسمان (به امر خدا) مقدر است).

و آخرین آیه مورد بحث در این سوره آیه 23 سوره ذاریات می‌باشد، (قَوْرَبَّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لِئِنَّهُ لَحَقُّ مِثْلِ مَا أَنْتُمْ تَنْطِقُونَ). خداوند در این آیه با آن عظمت و قدرتش برای اطمینان دادن به بندگان شکاک و دیر باور و ضعیف‌النفس و حریص سوگند یاد می‌کند که آنچه به شما در زمینه رزق و روزی و وعده‌های ثواب و عقاب قیامت وعده داد شده همه حق است، و هیچ شک و تردیدی در آن نیست. و تعبیر به "مِثْلِ مَا أَنْتُمْ تَنْطِقُونَ" با اینکه سخن گفتن خود یکی از بزرگترین روزی‌ها و مواهب پروردگار است که هیچ موجود زنده‌ای جز انسان از آن برخوردار نیست. خداوند می‌فرماید: همان اندازه که سخن گفتن شما برایتان محسوس است و واقعیت دارد و خطائی در آن وجود ندارد، رزق و وعده‌های الهی نیز همینگونه است، واقعیت دارد. فلذا در این آیه تأکید می‌کند که خداوند به انسان اطمینان می‌دهد که روزی او تضمین شده است تا بتواند با خیال راحت بر شگفتی‌های جهان هستی بنگرد و جمله «افلا تبصرون» در مورد او تحقق یابد.<sup>1</sup>

### 8-1- جلوه دادن نظم موجود در جهان با چند نشانه در این آیه

<sup>1</sup> - ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج 22، صص 20-23.

«إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ»<sup>1</sup>

در چندین آیه از قرآن کریم برای نشان دادن نظم موجود در جهان و ناظمی چون وجود خداوند باری خلقت آسمان ها و زمین را که آیه بر توحید خداست اقامه شده، آفرینش آسمان ها و زمین که آیت کبری خداوند و نشان از توحید است. غیر خدا احدی خالق و آفریننده جهان نیست و چون خالق رب است و ربّ معبود، پس خداوند یگانه معبود است در این آیه، گام دیگری برداشته شده و آمد و شد شب و روز و کشتی که در آب دریا در حال حرکت است و زنده کردن زمین بعد از مرگش و ... مورد بحث قرار گرفته است، هر یک از شب و روز، خلیفه و خلقه دیگری است. تنها محرک این حرکت و عهده دار این نظم و تنها کسی که ظلمت و نور متضاد را هماهنگ کرده و شب و روز را پدید آورده، خدای سبحان است. کشتی بر اثر سنگینی به طور طبیعی باید درون آب فرو رود؛ لیکن خدای سبحان بر اثر پدید آوردن نظم فیزیکی آن را بر روی آب نگه می دارد. از این رو از آیات خداوند کشتی و حرکت آن بر روی آب ذکر شده است. نافع بودن کشتی هم به لحاظ خود حمل و نقل به وسیله آن است و هم به لحاظ محمول، یعنی کالای نفعی است که با آن جا به جا می شود. باران گاهی جلوه ی مهر و گاهی مظهر قدر الهی است هر یک از ویژگی ها و شئون گوناگون باران، اصل بارش باران، ریزش آن به صورت قطره، ذخیره سازی آن در عمقی معین و قابل دسترسی و مانند آن، هر کدام برهان بر اصل وجود خدای سبحان و نیز برهان بر توحید و سایر اوصاف است و خدای متعال، با بارش باران، زمین بی جان را زنده می کند. پراکندن جنیدگان در زمین، همچون اصل آفرینش آنها از آیات الهی است.

باد، فرستاده ی خدا عهده دار رسالت الهی در تلقیح ابرها و گیاهان، جمع و متراکم و جا به جا کردن ابرهای باردار و سوق دادن آنها به سرزمین های تشنه و مرده و حرکت دادن شناور در همه ی شئون در تصرف خدای سبحان و از نشانه های اوست. باد که گاهی از مصادیق رحمت و برکت و گاه نسبت به تبهکاران نشان قهر الهی و برای تعذیب است از ابزار دیگر نشانه های مذکور در این آیه است. خداوند سبحان ابرها را مسخرانه و بی قدر به صراط مستقیم آنها را رهبری کرده و به هدف ویژه ی آنها می رساند، تسخیر ابرهای سنگین وزن، هم در نگهداری آنها در فضای باز و بی ستون و هم در کشاندن و هواپیمایی آنها است.

<sup>1</sup> - سوره بقره (2)، آیه 164.

اشیا و پدیده های یاد شده در همه ی تطورات و ادوار و خ صو صیات وجودی نشانه ی خدای سبحان و برای خردورزان آیه اند و اگر کسی بدون پیش فرض های غیر معقول و عاری از هر گونه تعصب در هر یک از آنها بیندیشد به وحدت اله و رحمانیت او پی می برد.<sup>۱</sup>

### 9-1- راه تحصیل ایمان اختیاری

« قُلْ أَنْظَرُوا مَا ذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا تُغْنِي الْآيَاتُ وَالنُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ »<sup>۲</sup>  
در این آیه راه تحصیل ایمان اختیاری را نشان می دهد که خداوند متعال می فرماید: «درست بنگرید و ببینید در آسمان و زمین چه نظام حیرت انگیز و شگرفی است»، این جمله به روشنی م ساله جبر و سلب آزادی اراده را نفی می کند و می گوید: ایمان نتیجه مطالعه جهان آفرینش است یعنی این کار بدست خود شما است و در ادامه ی آیه به این مطلب اشاره دارد ولی با این همه آیات و نشانه های حق باز جای تعجب نیست که گروهی ایمان نیاورند، (وَمَا تُغْنِي الْآيَاتُ وَالنُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ) این جمله اشاره به حقیقتی است که بارها در قرآن خوانده ایم که دلائل و سخنان حق و نشانه ها و اندرزها به تنهایی کافی نیست، بلکه زمینه های مستعد و آماده نیز شرط گرفتن نتیجه است.<sup>۳</sup>

### 10-1- حکومت صالحان یک قانون آفرینش است.

«أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»<sup>۴</sup>

به زودی زمین از لوث شرک و گناه پاک گشته جامعه بشری صالح که خدای را بندگی کنند و به وی شرک نوزند در آن زندگی کنند. آیه مورد بحث خاص به یکی از دو وراثت های دنیایی و آخرتی نیست بلکه هر دو را شامل می شود چیزی که هست از نظر سیاق آنچه که عقل و اعتبار اقتضا می کند این است که آیه ی شریفه عطف به آیه ی «فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ»<sup>۵</sup> باشد. (کسانی که وراثت را دنیوی می دانند حمل بر دوره ی ظهور اسلام یا دوران حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الی شریف) می دانند و کسانی که مختص وراثت اخروی می دانند دلیل

1 - عبدالله، جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج 8، همان، صص 173-172.

2 - سوره یونس (10)، آیه 101.

3 - ناصر، مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج 8، صص 479-478.

4 - سوره انبیاء (21)، آیه 105.

5 - همان، آیه ی 2.

شان این است که بعد از اعاده دیگر، زمین نیست تا صالحان آن را ارث ببرند و آن را اخروی می دانند.<sup>۱</sup>

### 11-1- خواب و بهره گیری از فضل پروردگار نشانه ای از ناظمی چون او می باشد.

« وَ مِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَاؤُكُمْ مِنْ فَضْلِهِ... »<sup>۲</sup>

" از آیات او خواب شما در شب و روز است، و نیز تلاش و کوشش شما برای بهره گیری از فضل پروردگار و تامین نیازمندیهای زندگی " (و مِنْ لَيْلَتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَاؤُكُمْ مِنْ فَضْلِهِ). و در پایان می افزاید: " در این امور آیات و نشانه هایی است برای آنها که گوش شنوا دارند " (إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ). این حقیقت بر هیچ کس پوشیده نیست که همه موجودات زنده برای تجدید نیرو و به دست آوردن آمادگی لازم برای ادامه کار و فعالیت نیاز به استراحت دارند، استراحتی که به طور الزامی به سراغ آنها بیاید، و حتی افراد پر تلاش و یا حریص را ناگزیر به انجام آن سازد. این موهبت بزرگ الهی سبب می شود که جسم و روح انسان به اصطلاح سرویس شود، و با بروز حالت خواب که یک نوع وقفه و تعطیل کار بدن است، آرامش و رفع خستگی حاصل گردد، و انسان حیات و نشاط و نیروی تازه ای پیدا کند.

در این آیات خواب را قبل از " ابتغاء فضل الله " که در آیات قرآن به معنی تلاش برای روزی است قرار داده است، اشاره به اینکه پایه ای برای آن محسوب می شود، چرا که بدون خواب کافی " ابتغاء فضل الله " مشکل است. ثانیاً درست است که خواب معمولاً در شب است و تلاش معاش در روز، اما چنان نیست که انسان نتواند این برنامه را به هنگام لزوم تغییر دهد، بلکه خداوند انسان را چنان آفریده که می تواند برنامه خواب خود را تغییر داده، و بر ضرورتها و نیازها منطبق سازد، تعبیر به " مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ " اشاره به این نکته دارد: اگر برنامه ی تنظیم خواب در اختیار انسان نبود، چه مشکلاتی پیش نمی آمد؟

### 2- برهان نظم از نگاه روایات

در قسمت قبلی از این فصل به برهان نظم از نگاه قرآن کریم اشاره شد و نظم موجود در جهان از خلقت آسمان و زمین و اجسام آسمانی گرفته تا مسأله حیات و خواب (خارج شدن روح از بدن انسان) پرداخته شد تا به این نتیجه دست یابیم که این همه نظم که در این جهان عظیم وجود دارد از صغیر و کبیر گرفته تا جان دار و بی جان به صورت تصادفی و بی هدف پدیدار نگاشته اند و ناظمی دارند که آن ناظم با قدرت و اراده ی نامحدود خود جهان

<sup>1</sup> - محمد حسین، طباطبایی، همان کتاب، ج 4، صص 492-493.

<sup>2</sup> - سوره روم (30)، آیات 25-23.

را به صورت یک واحد منسجم و منظم اداره می کند و آن ناظم فقط وجود خداوند تبارک و تعالی می تواند باشد.

و در این قسمت برای اثبات هدف خود (که همان نظم موجود در جهان و ناظمی چون وجود خداوند است) شواهدی از روایات می آوریم و با توجه به اینکه روایات عدیده ای شاهد بر این مدعا هستند فقط به بخشی از روایات که در این زمینه نقل شده اند اشاره می کنیم که عمده این روایات را از سخنان امیر المومنین علی (علیه السلام) از کتاب شریف نهج البلاغه با عنایت خداوند متعال می پردازیم و از کتاب های بحارالانوار، و اصول کافی و کتاب هایی چون برهان و توحید شیخ صدوق و تفاسیری چون نور الثقلین در این زمینه مدد جسته ایم به این امید که قدمی در راه خداشناسی برداشته باشیم.

### 1-2- طرق معرفت الله

حضرت امیرمومنان علی (علیه السلام) پس از تشریح آفرینش بعضی از حیوانات، درباره ی آفرینش آسمان، هوا، باد و آب می فرماید:

كَذَلِكَ أَلْ سَّمَاءُ وَالْهَوَاءُ وَالرَّيْحُ وَالْمَاءُ فَانظُرْ إِلَى أَلْ شَمْسِ وَالْقَمَرِ وَالنَّبَاتِ وَالشَّجَرِ وَالْمَاءِ وَالْحَجَرِ وَ اِخْتِلَافِ هَذَا اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَ تَفَجُّرِ هَذِهِ الْبِحَارِ وَ لِلنَّهَارِ وَ كَثْرَةِ هَذِهِ الْجِبَالِ وَ طُولِ هَذِهِ الْقُلَالِ وَ تَفَرُّقِ هَذِهِ اللُّغَاتِ وَ لِمَا أَلْ سِنِ الْمُخْتَلِفَاتِ فَأَلْوَيْلِ لِمَنْ أَنْكَرَ الْمُقَدَّرَ أَوْ جَدَّ الْمُدْبِرَ وَ زَعَمُوا أَنَّهُمْ كَالنَّبَاتِ مَا لَهُمْ زَارِعٌ وَ لَا لِاِخْتِلَافِ صُورِهِمْ صَانِعٌ لَمْ يَلْجَأُوا إِلَى حُجَّةٍ فِيمَا ادَّعَوْا وَ لَا تَحْقِيقٍ فِيمَا أَوْعَوْا وَ هَلْ يَكُونُ بِنَاءٌ مِنْ غَيْرِ بَانٍ أَوْ جِنَايَةٌ مِنْ غَيْرِ جَانٍ!؟

... بعد از اینکه حضرت می فرمایند همه ی موجودات سنگین و سبک، بزرگ و کوچک، نیرومند و ضعیف، در اصول حیات و هستی یکسانند، می فرمایند و همچنین خلقت آسمان و هوا و بادهای و آب یکی است. پس اندیشه کن در آفتاب و ماه، درخت و گیاه و آب و سنگ و اختلاف شب و روز و جوشش دریاها، و فراوانی کوه ها و بلندای قلّه ها و گوناگونی لغت ها و تفاوت زبان ها (که نشانه های روشن پروردگارند) پس وای بر آن کس که تقدیر کننده را نپذیرد و تدبیر کننده را انکار کند! گمان کردند که چون گیاهند و زراعتی ندارند و اختلاف صورت هایشان را سازنده ای نیست، بر آنچه ادعا می کنند حجت و دلیلی ندارد، و بر آنچه در سر می پروراند تحقیقی نمی کنند. آیا ممکن است ساختمانی بدون سازنده، یا جنایتی بدون جنایتکار باشد؟<sup>1</sup>

### 2-2- ستون های نامرئی نشان دیگری است.

<sup>1</sup> - شریف رضی، نهج البلاغه، مترجم محمد دشتی، چاپ دهم، تهران: پیام عدالت، 1388، صص 255-256.

روایت دیگری که نقل می‌کنیم از کتاب تف سیر برهان آورده شده است که: از امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) در حدیث حسین بن خالد<sup>1</sup> آمده است، او می‌گوید از امام ابی الحسن الرضا (علیه السلام) پرسیدم، اینکه خداوند فرموده «والسماوات ذات البروج (سوگند به آسمان که دارای راه هاست) یعنی چه؟ فرمود: این آسمان راه‌هایی به سوی زمین دارد... حسین بن خالد می‌گوید عرض کردم چگونه می‌تواند راه ارتباطی با زمین داشته باشد در حالی که خداوند می‌فرماید آسمان‌ها بی‌ستون است، امام فرمود: **سبحان الله الیس الله یقول بغير عمد ترونها؟ قلت بلی، فقال ثم عمید و لكن لا ترونها.**

عجیب است، آیا خداوند نمی‌فرماید بدون ستونی که قابل مشاهده بود؟ من عرض کردم آری فرمود: «پس ستونهایی هست و لكن شما آن را نمی‌بینید؟ این آیه با توجه به حدیثی که در تفسیر آن وارد شده است و در مورد آیه «اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا»<sup>2</sup> پرده از روی یک حقیقت علمی برداشته که در زمان نزول آیات، بر کسی آشکار نبود چرا که در آن زمان هیئت بطلیموس با قدرت هر چه تمامتر، در محافل علمی جهان و بر افکار مردم حکومت می‌کرد، و طبق آن آسمان‌ها به صورت کراتی تو در تو همانند طبقات پیاز روی هم قرار داشتند و طبعاً هیچکدام معلق و بی‌ستون نبود، بلکه هر کدام بر دیگری تکیه داشت ولی حدود هزار سال بعد از نزول آیات، علم و دانش بشر به اینجا رسید که افلاک پوست پیازی، به کلی موهوم است و آنچه واقعیت دارد این است که کرات آسمان هر کدام در مدار و جایگاه خود معلق و ثابتند، بی‌آنکه تکیه‌گاهی داشته باشند.

تنها چیزی که آنها را در جای خود ثابت می‌دارد، تعادل قوه جاذبه و دافعه است که یکی ارتباط با جرم این کرات دارد و دیگری مربوط به حرکت آن هاست. این تعادل جاذبه و دافعه به صورت یک ستون نامرئی، کرات آسمان را در جای خود نگه داشته است.

### 3-2- خلقت انسان نظم دیگری است.

شخصی از محضر مبارک امام هشتم (علیه السلام) دلیل بر حدوث عالم را جویا می‌شود و ایشان فرمود: «لَمْ تَكُنْ ثُمَّ كُنْتَ وَقَدْ عَلِمْتَ لَأَنَّكَ لَمْ تَكُنْ نَفْسًا وَ لَأَنَّكَ كُنْتَ مِنْهُوَ مِثْلُكَ؛ یعنی تو سابقه نیستی داشتی و موجود شدی؛ اگر بگویی به صورت تصادف موجود شدی، هیچ دانشمندی آن را نخواهد پذیرفت. چنانچه باطل است و هیچ عاقلی آن را نمی‌پذیرد، پس نظام علی و معلولی حق است. سخن امام رضا (علیه السلام) تفسیر و تبیین آیه شریفه

1 - حسین بن خالد: یکی از روایان حدیث در زمان امام رضا (علیه السلام) می‌باشد.

2 - سوره رعد (13)، آیه 2.

«أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ»<sup>۱</sup>؛ آیا خود به خود، یعنی بی سبب و بر اثر تصادف، بخت و شانس پدید آمده است و اصلاً مبدأ فاعلی ندارد، یا خود خویشتن را آفریده، یا مانند او وی را خلق کرده است.<sup>۲</sup>

#### 4-2- پدیده ی خواب در روایات اسلامی

از روایاتی که مفسران در ذیل آیات «اللَّهُ يَتَوَقَّى لِلنَّاسِ حِينَ مَوْتِهَا وَآتَى لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا»<sup>۳</sup> ذکر کرده اند، نیز به خوبی روشن می شود که خواب در اسلام، به عنوان حرکت روح به سوی عالم ارواح شمرده شده و بیداری بازگشت روح به بدن و نوعی حیات مجدد است. و در حدیثی از امیر مومنان علی (علیه السلام) می خوانیم که به یارانش چنین تعلیم می داد:

لَا يَنَامُ الْمُسْلِمُ وَهُوَ جُنُبٌ وَلَا يَنَامُ إِلَّا عَلَى طَهْوَرٍ فَإِنْ لَمْ يَجِدِ الْمَاءَ فَلْيَتَيَّمْ بِالْأَرْضِ فَإِنَّ رُوحَ الْمُؤْمِنِ تَرُوحُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَيَلْقَاهَا وَيُبَارِكُ عَلَيْهَا فَإِنْ كَانَ أَجَلُهَا قَدْ حَضَرَ جَعَلَهَا فِي مَكُونِ رَحْمَتِهِ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ أَجَلُهَا قَدْ حَضَرَ بَعَثَ بِهَا مَعَ أَمْنَانِهِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ فَيَرُدُّهَا فِي جَسَدِهَا؛

مسلمان نباید با حالت جنابت بخوابد، و جز با طهارت و وضو به بستر نرود، هر گاه آب نیابد تیمم کند، زیرا روح مؤمن به سوی خداوند متعال بالا می رود، او را می پذیرد و به او برکت می دهد، هر گاه پایان عمرش فرا رسیده باشد، او را در گنج های رحمتش قرار می دهد و اگر فرا نرسیده باشد، او را با امنائش از فرشتگان به جسدش بازمی گرداند.<sup>۴</sup>

#### 5-2- شگفتی آفرینش پدیده ها

از نشانه های توانایی و عظمت خدا، و شگفتی ظرافت های صنعت او آن است که «أَنْ جَعَلَ مِنْ هَاءِ الْبَحْرِ الزَّأخِرِ الْمُتْرَاكِمِ الْمُتَقَا صِفِ يَبَسًا جَامِدًا ثُمَّ فَطَرَ مِنْهُ أَطْبَاقًا فَفَتَقَهَا سَبْعَ سَمَاوَاتٍ بَعْدَ أَرْتَاقِهَا فَاسْتَمْسَكَتُ...؛ از آب دریا موج زننده، و امواج فراوان شکننده، خشکی آفرید، و به طبقاتی تقسیم کرد، سپس طبقه ها را از هم گشود و هفت آسمان را آفرید، که به فرمان او برقرار ماندند، و در اندازه های معین استوار شدند و زمین را آفرید که دریایی سبز رنگ و روان، آن را بر دوش می کشد. قَدْ ذَلَّ لِأَمْرِهِ وَأُذْعِنَ لِهَيْبَتِهِ... زمین در برابر فرمان خدا فروتن و در برابر شکوه پروردگار تسلیم است، و آب روان از ترس او ایستاد. سپس صخره ها، تپه

1 - سوره طور (51)، آیه 35.

2 - سوره توحید، محمد بن علی ابن بابویه، یعقوب جعفری، چاپ اول، قم، اکرام، 1389، ص 293.

3 - سوره زمر (39)، آیه 42.

4 - التوحید، محمد بن علی ابن بابویه (شیخ صدوق)، ج 4، چاپ اول، ترجمه ی یعقوب جعفری، قم: اکرام، 1389، ص 488.

ها و کوه های بزرگ را آفرید، و آنها را در جایگاه خود ثابت نگه داشت و در قرارگاهشان استقرار بخشید.

پس کوه ها در هوا و ریشه های آن در آب رسوخ کرد، کوه ها از جاهای پست و هموار سر بیرون کشیده و کم کم ارتفاع یافتند و ریشه ی آن در دل زمین ریشه دوانید. قلّه ها سر به سوی آسمان برافراشت. نوک آنها را طولانی ساخت، تا تکیه گاه زمین و میخ های نگهدارنده ی آن باشد. سپس زمین با حرکات شدیدی که داشت آرام گرفت تا ساکنان خود را نلرزاند و آنچه بر پشت زمین است سقوط نکند، یا از جای خوی منتقل نگردد.

### 7-2-3- شگفتی گریه کودکان و بیدار شدن تدریجی عقل و حواس در کودکان

امام صادق (علیه السلام) در حدیث معروف «توحید مفضل» می فرماید: «پدر و مادر چون از منافع گریه کودک بی خبرند سعی دارند به هر وسیله ممکن است او را خاموش کنند و از گریه باز دارند زیرا نمی دانند گریه برای او چه منافی دارد» و نیز در همان روایت، امام (علیه السلام) اشاره به جاری شدن آب از دهان اطفال که در واقع تکمیل کننده اشک چشمهای کودک کرده می فرماید: «خداوند دانا چنان مقرر فرموده که رطوبت های اضافی از دهان نوزادان دفع شود تا موجب سلامت آنها در بزرگی گردد».

اگر کودک، در آغاز عقل می داشت مسلماً بسیار رنج می برد، زیرا احساس ناتوانی و مذلت می کرد، چرا که نمی تواند راه برود، غذا بخورد، و کمترین حرکتی داشته باشد باید او را در پارچه ای بپیچند و در گهواره بخوابانند و جامه ای بر او بیفکنند و تر و خشک کنند.

امام صادق (علیه السلام) ضمن اشاره به این مطلب در حدیث معروف «توحید مفضل» می افزاید: «بعلاوه اگر عاقل متولد می شد و زندگی مستقل داشت شیرینی کودکانه و حلاوت تربیت اولاد و رابطه ای که از این طریق میان فرزندان و پدر و مادر در تمام عمر برقرار می شود از میان می رفت»<sup>1</sup>.

گذشته از اینها انتقال به دنیای کاملاً جدید و نا شناخته چنان وحشت و اضطرابی در او ایجاد می کرد که ممکن بود فکر و آوازه صاب او را آزار دهد، ولی آن قدرت لایزال که از انسان را برای تکامل آفریده همه ی این اصول را در او پیش بینی فرموده است.

همچنین اگر حواس او کامل بود، یک مرتبه چشم باز می کرد صحنه های تازه را مشاهده می نمود و گوش او صداها و آهنگ های جدید را می شنید ای بسا قدرت تحمل آن ها را نداشت این امور تدریجاً و یکی پس از دیگری صورت می گیرد.

<sup>1</sup> - محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج3، چاپ سوم، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، 1403، صص 66-

جالب توجه اینکه قرآن مجید می گوید: «وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ الْإِسْمَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ!» و خدا شما را از شکم مادرانتان - در حالی که چیزی نمی دانستید - بیرون آورد، و برای شما گوش و چشمها و دلها قرار داد، باشد که سپاسگزاری کنید».

طبق این آیه، در آغاز از انسان هیچ علمی نداشت و حتی گوش و چشم نداشت، سپس خداوند قدرت شنیدن و دیدن و اندیشیدن را به او داد، شاید ذکر سمع (گوش) قبل از ذکر ابصار (چشم) اشاره به این است که در نوزادان نخست فعالیت گوش شروع می شود، و بعد از مدتی چشمها تولنایی دید پیدا می کند، حتی بعضی ها معتقدند گوش در عالم جنین، کم و بیش قدرت شنوایی دارد و آهنگ قلب مادر را می شنود، و به آن عادت می کند.<sup>۲</sup>

1 - سوره نحل (16)، آیه 78.

2 - ناصر، مکارم شیرازی، پیام قرآن، ج 2، چاپ هشتم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، 1377، صص 90-91.

### منابع

\*قرآن کریم

\* نهج البلاغه

1. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، ج 12، 13، 8، 3، چاپ اول، قم، اسراء، 1387.
2. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، التوحید، ترجمه ی یعقوب جعفری، ج 4، چاپ اول، قم، اکرام، 1389.
3. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، التوحید، ترجمه ی یعقوب جعفری، ج 4، چاپ اول، قم، اکرام، 1389.
4. کلینی، یعقوب بن اسحاق، اصول کافی، ج 1، تهران، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام،
5. طباطبائی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه ی محمد باقر موسوی همدانی، ج 4، 17، 5، چاپ بیست و هشتم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، 1388.
6. کلینی، یعقوب بن اسحاق، اصول کافی، ج 1، تهران، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام،
7. مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، ج 2، چاپ هشتم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1377.
8. \_\_\_\_\_، تفسیر نمونه، ج 15، 14، 20، 22، 8، 13، 16، 19، چاپ بیست و ششم، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، 1357.